

خانواده ایرانی با کتاب میانه‌ای ندارد

نویسندگان و مترجمان با انتقاد از نشر غیر مجاز کتاب به صورت الکترونیکی می‌گویند: کتابی که ترجمه و تالیف می‌شود و به چاپ می‌رسد عواملی دارد که برای تولید آن زحمت می‌کشند و زندگی‌شان از این طریق می‌گذرد؛ اگر بگوییم مردم برای کتاب پول ندهند و به رایگان کتاب خوان شوند این بی‌انصافی است. نشر الکترونیکی قطعاً به صنعت نشر ضربه می‌زند. ضمن این که تحقیقات نشان می‌دهد میزان درک محتوا پس از مطالعه کتاب‌های کاغذی بیشتر و بهتر از زمانی است که کتاب‌های الکترونیکی مطالعه می‌شود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

گذراغلب ماه‌به‌خیابان انقلاب و راسته کتاب‌فروشی‌ها افتاده است. منظورم از اغلب ما، آن‌هایی است که به هر دلیلی به کتابی نیاز داشته‌اند؛ حالا یادرسی یا غیردرسی. در راسته خیابان انقلاب، با پدیده عجیب و شگفت‌انگیز فروش فلهای و کیلویی کتاب مواجهیم. دست‌فروشی‌هایی که فراد می‌زند «هر کتاب دونه‌ای ۲۵ تومان». مردان پیر و جوانی که شمارا خریدن کیلویی کتاب دعوت می‌کنند و هر کدام ترازویی در کنار خود دارند برای وزن کردن کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌اند.

این کتاب‌ها طبعاً از مردم خریداری می‌شوند. در واقع امروز در جامعه و شهر با شکلی از خرید و فروش کتاب مواجهیم که در آن فروشنده کتاب، که معمولاً با دانشجوئی هستند که به دلیل مشکلات مالی و سختی جابه‌جایی کتاب می‌خواهند به نحوی از «شر» آن‌ها خلاص شوند و خریدارانی هستند که برای شان، عنوان کتاب مهم نیست و همان‌طور که فل‌های می‌فروشند فل‌های هم می‌خرند. به این ترتیب، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی که بحران‌های اقتصادی بر مردم وارد آورده همین فروش کتاب‌خانه‌های خانگی و شخصی و نیز خرید فل‌های کتاب است. دست‌فروشان است، که در بعضی موارد باعث کساد کاری کتابفروشی‌ها و حتی ناشران شده است.

چنین است که اگر راه‌تان به خیابان انقلاب افتاده باشد، ممکن است دیگر

اثری از کتابفروشی دوست‌داشتنی‌تان که سال‌ها بود از آن جا کتاب می‌خریدید، پیدا نکنید؛ بلکه این کتابفروشی، تبدیل شده به کافه؛ جایی که دانشجویان با ژست‌های روشن‌فکرانه سیگار و قلیان می‌کشند و قهوه می‌نوشند و ترانه‌های کوچه‌بازاری-فارس‌و-خارجی درهم-گوش می‌دهند و شوخی‌های بی‌مزه می‌کنند، تا شب شود. بی‌آن‌که لای کتابی را -درسی یا غیردرسی- باز کرده باشند از همین جاست شاید که روزگاری کسی گفته است اگر خواستی چیزی را پنهان کنی، آن‌را لای کتاب پنهان کن چون این مردم کتاب نمی‌خوانند! البته این پنهان کردن هم فرآیند خودش را دارد؛ اول این که باید کتابی در آن محیط و مکان وجود داشته باشد. دوم، از چیز پنهان کردن، لای کتاب جایشود!

باور کنید یانه، در بسیاری از خانه‌های مادر همین کشور، نمی‌توانید یک کتاب پیدا کنید، مگر این که خانواده دانش‌آموز یادشجویی داشته باشند که مجبور شده باشند کتاب درسی بخردند.

آمار کتاب‌نخوانی ما!
در سال ۸۷ رئیس کتابخانه ملی ایران عنوان کرد: سرانه کتابخوانی در کشور برای هر نفر تنها دو دقیقه در شبانه‌روز است. این سرانه با افزودن کتب درسی برای برخی از افراد در شبانه‌روز حدود شش دقیقه می‌شود. در همان سال هاشم‌محمد سالاری، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و کتابخوانی وقت، گفت آمار قدیمی دو دقیقه در روز که همه جا گفته می‌شود و همه به آن استناد می‌کنند، «سپاه نمایی» است و آمار واقعی کتابخوانان در ایران، روزی «دو ساعت»!، یعنی ۱۲۰

دقیقه است نه دو دقیقه! یعنی ۳۰ دقیقه بالاتر از رکورد آمار کتابخوانی در جهان! سید جواد حسینی، فرماندار مشهد در گردهمایی اعضای انجمن کتابخانه‌های عمومی مشهد هم زمانی اعلام کرده بود سرانه مطالعه هر ایرانی «۹۵ دقیقه» است!

تنها باری که یک آمار نسبتاً رسمی منتشر شد، سال ۸۱ بود که مرکز پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸ استان را بررسی و اعلام کرد سرانه مطالعه ایرانی‌ها هفت دقیقه در روز است. سرانه مطالعه یعنی این که هر نفر به‌طور میانگین در روز چه قدر کتاب می‌خواند. برای به‌دست آوردن این عدد، زمان کتابخواندن همه افراد یک جامعه را با هم جمع می‌کنند و تقسیم می‌کنند بر تعدادشان.

همه کشورهای دنیا، هر سال سرانه مطالعه‌شان را حساب می‌کنند و از روی این عدد می‌فهمند وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشورشان چگونه است؛ اما ماجرای این عدد در کشور ما کمی پیچیده شده و هر مسئولی یک عدد متفاوت را اعلام می‌کند.

امابشنویم از کتاب‌خوان‌ها!
در همین گیرودار، عده‌ای هم هستند که جنس دغدغه‌شان با جنس دغدغه کلیت جامعه فرق می‌کند؛ منظور از این افراد، همان کتاب‌خوان‌ها هستند که این روزها، با همین شرایط و با همین ندراری‌ها قرض‌ها و اجاره‌های عقب افتاده، تا کتاب‌خوانی وقت، گفت آمار قدیمی دو دقیقه در روز که همه جا گفته می‌شود و همه به آن استناد می‌کنند، «سپاه نمایی» است و آمار واقعی کتابخوانان در ایران، روزی «دو ساعت»!، یعنی ۱۲۰

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی بر بحران‌های اقتصادی بر مردم وارد کرده، فروش کتاب‌خانه‌های خانگی و شخصی و نیز خرید فل‌های کتاب است. دست‌فروشان است که در بعضی موارد باعث کساد کاری کتابفروشی‌ها و حتی ناشران شده است

هستند که کتاب کاغذی بهتر است یا کتاب الکترونیکی؟! **بعضی‌ها کاغذی‌اش را دوست دارند!**

در یک بعدازظهر زمستانی برای اهالی کتاب هیچ وسیله‌ای نمی‌تواند جایگزین یک کتاب خوب شود؛ یک صندلی راحت، یک کتاب خوب و یک فنجان چای یا قهوه! برای یک فرد اهل مطالعه حتی بوی کتاب و کاغذ حس آرامش به هم‌راه دارد. این‌را یک کتاب‌خوان حرفه‌ای می‌گوید که بزرگ‌ترین لذت کتابخواندن است و آن‌را با هیچ چیز در دنیا عوض نمی‌کند. یک دانشجو هم داریم که می‌گوید:

اگر از من بپرسید بین خواندن کتاب کاغذی و مطالعه در گوشی یا تبلت یا بوکر ریدر، کدام یک را ترجیح می‌دهم؟ به‌شما می‌گویم بیشتر دوست دارم با کتابی در دست روی مبل راحتی لم بدهم. این کار نه تنها برای من راه‌گراگر می‌باشد بلکه راه فراری از وسایل الکترونیکی هم هست. با این شیوه موقع کتابخواندن وسوسه

نمی‌شوم کارم را متوقف کنم و در اینترنت و بگردی کنم! اما این‌را هم بگویم که من با کتاب بزرگ شده‌ام!

آن‌هایی که کتاب کاغذی را دوست دارند؛ می‌گویند هر چه از حسن کتاب کاغذی بگویم کم گفته‌ایم؛ در این میان البته نباید آن حس نوستالژیک کاغذ و بوی کاغذ و کتاب را نادیده بگیریم؛ خواندن یک کتاب کاغذی نیاز به هیچ وسیله‌ای بجز خود کتاب ندارد. همه می‌توانند به‌سادگی از آن استفاده کنند بدون آن‌که نگران تمام شدن شارژش باشند! کیمیا این‌طور ادامه می‌دهد: به نظر من کتاب کاغذی بهتر است، چون وقتی کتاب الکترونیکی می‌خوانی چشم‌ت زود در می‌گیرد و حس خوبی به‌ادم دست نمی‌دهد. احساس می‌کنی داری یک متن در شبکه‌های مجازی می‌خوانی نه یک کتاب.

من خودم کتاب کاغذی می‌خوانم و یک‌بار که یک کتاب را به‌صورت الکترونیکی خواندم چیزی از آن در یادم نماند!

یک نویسنده معتقد است: لمس کردن صفحات کتاب برای خواننده، همانند شروع شدن یک جهان دیگر است. اما در عصر جدید بنا به دلایلی مخاطبان به نسخه‌های الکترونیکی پناه می‌برند، چرا که از نظر اقتصادی برای آنان مقرون به‌صرفه‌است. اما لذت بی‌دای کتاب خوانی، نمی‌تواند لذت خواندن کتاب کاغذی را به آن‌ها منتقل کند.

الکترونیکی‌خوان‌ها!
این‌ها علاوه بر دلایل اقتصادی که بیشتر معطوف به آرزای یا رایگان بودن کتاب الکترونیکی است، مسائل خاص دیگری را هم عنوان می‌کنند:

آن‌ها می‌گویند کتاب الکترونیکی راهی است برای نجات درختان. انتشار محتوای الکترونیکی به‌جای چاپ آن‌ها می‌تواند باعث صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، جلوگیری از قطع بیشتر درختان و آسیب کمتر به محیط زیست شود. شاید در نگاه اول این موضوع کم‌اهمیت به نظر برسد اما یقیناً در ابعاد و حجم گسترده چاپ کتاب‌ها و به‌خصوص روزنامه‌های پرترتیب‌ها صرف کاغذ بسیار زیاد خواهد بود. استفاده از کتاب الکترونیکی آسان است؛ کتاب الکترونیکی حجم و وزن فیزیکی ندارد. هزاران و حتی میلیون‌ها صفحه کتاب را می‌توانیم در موبایل یا تبلت همیشه همراه داشته باشیم. استفاده از این نوع کتاب‌ها با توجه به امکانات متنوع اپلیکیشن‌های کتاب‌خوان بسیار آسان است. نشانه‌گذاری، حفظ کتاب در صفحه خوانده شده، امکان جستجوی کلمات و عناوین و... از مزایای هستند که در کتاب چاپی وجود ندارند.

نویسنده‌ها و ناشران مخالفاند
نویسندگان و ناشران با انتقاد از نشر غیر مجاز کتاب به‌صورت الکترونیکی می‌گویند: کتابی که ترجمه و تالیف می‌شود و به چاپ می‌رسد عواملی دارد که برای تولید آن زحمت می‌کشند و

لمس کردن صفحات کتاب برای خواننده، همانند شروع شدن جهان دیگر است، اما در عصر جدید بنا به دلایلی مخاطبان به نسخه‌های الکترونیکی پناه می‌برند
چرا که از نظر اقتصادی برای آنان مقرون به صرفه است. اما بی‌دای خوانی نمی‌تواند لذت خواندن کتاب کاغذی را به آن‌ها منتقل کند

زندگی‌شان از این طریق می‌گذرد؛ اگر بخواهیم بگوییم مردم برای کتاب پول ندهند و به رایگان کتاب‌خوان شوند این بی‌انصافی است. نشر الکترونیکی قطعاً به صنعت نشر ضربه می‌زند، ضمن این که تحقیقات نشان می‌دهد میزان درک محتوا پس از مطالعه کتاب‌های کاغذی بیشتر و بهتر از زمانی است که از کتاب‌های الکترونیکی برای مطالعه استفاده می‌شود.

پذیرش تغییر فرهنگ
با پیشرفت تکنولوژی کتاب دیگر آن مفهوم اولیه‌اش را ندارد. ظهور کتاب‌های الکترونیکی احتمالاً فرهنگ کتاب و کتابخوانی را تا حد قابل توجهی تغییر داده است. این روزها لازم نیست به کتاب‌فروشی بروید و در میان قفسه‌های پر از کتاب به دنبال عنوان مورد علاقه‌تان بگردید. راه سریع‌تر و شاید آسان‌تری پیش روی شماست؛ خریدن کتاب‌های الکترونیکی از اپلیکیشن‌ها و خواندن آن‌ها روی موبایل‌ها، تبلت‌ها و البته بوکر ریدرها. هر کدام از این انتخاب‌ها مزایا و معایبی دارند. اما ریشه هر دوی این انتخاب‌ها و ترجیح‌ها برمی‌گردد به این‌که آیا اصلاً ما کتاب‌خوان هستیم یا نه؛ همان پرسش نخستین!

و هم چنان خانواده!
در ترویج فرهنگ کتابخوانی والدین نقش اساسی دارند. اگر والدین خودشان کتاب‌خوان باشند و هر روز ساعتی برای خواندن کتاب اختصاص بدهند فرزندان‌شان هم به کتاب‌خوانی تشویق می‌شوند. اما متأسفانه این‌روزها بسیاری از خانواده‌ها یا کتاب‌خوبی ندارند و دلایل مختلفی مثل گرفتاری و کمبود وقت و گرانی کتاب و... را بهانه می‌کنند و حتی حوصله و وقت مرور روزنامه را هم ندارند. اما همین‌ها زمان زیادی برای گوشه‌های خود صرف می‌کنند. پرسش آنان معمولاً از معلم فرزندان‌شان این است که از کدام کتاب کمک آموزشی می‌توانند استفاده کنند.

متأسفانه خانواده‌ها حاضرند برای خرید کتاب‌های کمک آموزشی و کلاس‌های تقویتی هزینه‌های سنگین بپردازند، ولی برای خرید کتاب غیردرسی هزینه نمی‌کنند!

سوم، یادداشت: ارزش و شأن خانواده در کشور ما
فردین علیخواه، جامعه‌شناس در یادداشتی آورده است:

* کودکان و نوجوانان در این کشور اجازه ندارند راندگی کنند.
* کودکان و نوجوانان در این کشور اجازه ندارند پدر یا مادر شوند!
* کودکان و نوجوانان در این کشور اجازه ندارند و نکته جالب‌تر آنکه:
* از طرفی به کودکان و نوجوانان اجازه از دواج می‌دهند و از طرف دیگر آموزش و پرورش از آموزش اولیه مسائل جنسی به همان کودکان و نوجوانان اجتناب می‌کند!
* صدا و سیما می‌ملاحظه کار کشور یکی از مسائل اجتماعی آمریکا را بارداری نوجوانان آن کشور می‌داند!
ارزش و شأن خانواده در کشور مادر همین حادثه است.

برخی وسایل جلوگیری از بارداری بخورند و بسیاری کارهای دیگر که کودکان و نوجوانان به دلیل سن کم اجازه آن را ندارند.

ولی کودکان و نوجوانان در این کشور اجازه دارند خانواده تشکیل دهند! اجازه دارند ازدواج کنند! اجازه دارند «سکس» داشته باشند! اجازه دارند پدر یا مادر شوند!
و نکته جالب‌تر آنکه:
* از طرفی به کودکان و نوجوانان اجازه از دواج می‌دهند و از طرف دیگر آموزش و پرورش از آموزش اولیه مسائل جنسی به همان کودکان و نوجوانان اجتناب می‌کند!
* صدا و سیما می‌ملاحظه کار کشور یکی از مسائل اجتماعی آمریکا را بارداری نوجوانان آن کشور می‌داند!
ارزش و شأن خانواده در کشور مادر همین حادثه است.

فقط در یک سال روی داد



مرگ ۴۵۷۳ نفر در تهران به دلیل آلودگی هوا! شهردار تهران با اشاره به این که در سال ۹۴، ۴۵۷۳ نفر بر اثر ذرات معلق بالای ۲.۵ میکرون در تهران از دنیا رفته‌اند، گفت: هم‌چنین سالانه ۱۴۹۴ نفر به دلیل بیماری‌های تنفسی و آلودگی به بیمارستان مراجعه می‌کنند.

پیروز حاجی اضافه کرد: در ۲۳۹ روز در تهران ذرات معلق بیش از حد استاندارد داشته‌ایم. هم‌چنین ۱۰۲ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و ۹۰ روز اضطراری داشته‌ایم. ۱۹.۳ تهرانی‌ها چاق هستند و این آمار ۱.۷ برابر در بانوان بیشتر است در افراد ۵۵ سال به بالا هم بیش از ۳۵ درصد است. ۵۰ درصد تهرانی‌ها ۵۰ درصد کمتر از حد استاندارد سبزی مصرف می‌کنند و از هر پنج تهرانی یک نفر به اندازه کافی واحد میوه دریافت می‌کند.

شهردار تهران ادامه داد: ۹.۳ درصد تهرانی‌ها دیابت دارند و ۵۰ درصد آنان اساساً از اینکه دیابت نوع ۲ دارند، اطلاع ندارند. پایین‌ترین سطح کنترل زیست‌سالمندان را در تهران داریم که شاید عدم پوشش همگانی بیمه یکی از دلایل آن باشد. ۵۰ درصد جمعیت کلسترول بالا و ۳۰ درصد تری‌گلیسرید بالا دارند. وی افزود: از هر پنج تهرانی یک نفر فشار خون دارد که این آمار یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود شیوع پرفشاری ۱۹ درصد است و ۳۶.۱ درصد این افراد از فشار بالای خود اطلاع ندارند از هر هشت تهرانی یک نفر فشار خون دارد و از آن مطلع نیست. در سال ۹۶ مرگ بیش از ۱۴۰۰ نفر به خاطر سکته قلبی ناشی از فشار خون گزارش شده است.

اقدام پلیس راهور برای ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری

کارکنان پلیس راهنمایی و رواندگی تهران بزرگ‌در استای ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری اقدام مرتب‌سازی را در بین تعدادی از شهروندان دوچرخه‌سوار توزیع کردند. عوامل این پلیس با توزیع کلاه و دستکش مخصوص دوچرخه‌سواری در بین تعدادی از دوچرخه‌سواران، ضمن تشویق این افراد، نسبت به توجه آن‌ها در رابطه با تأثیر دوچرخه‌سواری بر کاهش معضلات ترافیکی اقدام کردند.

شهر وند هوشمند لازمه تحقق شهر هوشمند است



رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران گفت: صرف ایجاد سامانه‌های هوشمند موجب هوشمندسازی و در نهایت شفاف‌سازی نمی‌شود، همان‌گونه که با ایجاد دفاتر الکترونیکی این اتفاق نیفتاد.

محمد سالاری در کنگره بین‌المللی تهران هوشمند با اشاره به این که هوشمندسازی یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های مدیریتی شهری است گفت: جامعه شهری و جمعیت شهر نشین در دنیا باروند بسیار سریع و قابل توجهی در حال افزایش است. پیش‌بینی می‌شود این جمعیت شهر نشین در سال ۲۰۴۰ به ۶۵ درصد برسد. شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌طور فزاینده‌تر معرض بحران‌های ناگوار هستند، از این رو توسعه شهرهای هوشمند در کشورهای پیشرفته با هدف پاسخ به چالش‌های جدید ناشی از روند فزاینده شهرنشینی و باهدف تقای کیفیت زندگی در حوزهای مدیریت شهری، امنیت و خدمات اورژانس، کاهش و ایمنی ترافیک، حمل و نقل عمومی و تسهیل رفت و آمد در سفرهای روزانه و در حوزه محیط زیست، بهبود کیفیت هوا و حفاظت از منابع آب و کاهش هدر رفت آب و کاهش تولید پسماند خشک، کاهش هزینه‌های زندگی و کارآمدسازی بازارهای کار محلی پیگیری شده است بنابراین ابعاد گسترده منافع این کاربردها در کیفیت زندگی شهروندان در این شهرها نیاز به تغییرات اساسی هر چه سریع‌تر در بین مدیران و شهروندان کشور و حرکت به سمت تهران هوشمند را گوشه‌دهی کند.